



اوانس (آدایا): حکیم میان رودانی در پاسارگاد

مسعود زارع (MSc)^{۱*}، ایرج نبی پور (MD)^{۱**}

^۱ مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج فارس، پژوهشکده علوم زیست پزشکی خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

(دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۷/۵ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۵)

چکیده

انکی/آ «خدای خردمندی و ژرفا» در میان رودان (بین‌النهرین) در طلسم‌ها، اوراد و آیین‌های شفاطلبی، حضور چشمگیری داشته است. او آفریننده هفت حکیم (آپکالو) است که دانایی و قدرتش را در میان مردمان جاری می‌ساختند. حکیم اوانس (آدایا) که یکی از این آپکالوها بود با سیمای هیبرید انسان-ماهی، از توان خردورزی و درمانگری انکی/آ بهره‌مند بود. اوانس (آدایا) که دانش و دانایی در میان رودان ترویج می‌داد از توان درمانگری انکی/آ نیز بهره‌جسته بود، به گونه‌ای که کاهنین سرزمین میان رودان همواره به تقلید از اوانس (آدایا)، پوشینه‌هایی بسان ماهی بر سر می‌کردند که دارای باله‌های دمی و پستی بوده و بر بالین بیماران حضور می‌یافتند و با توسل به این حکیم به انجام تشریفات مذهبی-درمانی برای شفاطلبی، مبادرت می‌کردند. گاهی نیز برای زدودن بدن از ناپاکی‌ها، از شیوه‌های تنقیه، استفراغ القایی و بخور دادن نیز استفاده می‌کردند. حضور نقش هیبرید انسان-ماهی مربوط به حکیم اوانس (آدایا) در کنده کاری موجود در درگاه کاخ کورش در پاسارگاد، نشانگر تأثیر و نفوذ طب میان رودانی در دوره هخامنشیان می‌باشد.

واژگان کلیدی: اوانس، آدایا، میان رودان، حکیم، هخامنشیان

^{**} بوشهر، مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج فارس، پژوهشکده علوم زیست پزشکی خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

مقدمه

در ۶۰۰ متری شمال شرقی آرامگاه کورش، کاخ پذیرایی پاسارگاد قرار گرفته است. تالار مرکزی با تالار پذیرایی، ۷۱۶ مترمربع وسعت و چهار در ورودی و خروجی از چهار طرف دارا می‌باشد. درگاه‌های این چهار ورودی و خروجی از سنگ‌های صیقلی شده ساخته شده است که روی آن‌ها نقش‌های متنوعی حجاری شده‌اند. دو جرز طرفین درگاه شرقی دارای نقشی کنده کاری شده از ایزد

نمایی است که تنه و سر و پای آن مانند انسان است ولی یک شکل از سر تا پای او کشیده شده است و مظهر دیگری که سم و پایش مانند گاو است، در پشت سر او نقش شده است. این نقش با این طرح منحصر به فرد خود در هیچکدام از آثار دوران هخامنشی دیده نشده است و در نوع خود، در کمال اهمیت می‌باشد ولی متأسفانه فقط بخش‌های زیرین این کنده کاری به جای مانده و ما بقی آن شکسته شده است (تصویر ۱) (۱).



تصویر ۱) نقش کنده کاری شده از حکیم اوآنس (آدایا) در درگاه کاخ کورش در پاسارگاد در جلو مظهر دیگری که سم و پایش مانند گاو است.

چنین می‌آید که این سیمای انسان- ماهی که در کاخ پاسارگاد کنده کاری شده است الهام گرفته از یادمانی است که در معبد ((نینورتا)) در شهر نمرود مربوط به

پادشاهی آشور نو در اولین هزاره قبل از میلاد وجود دارد (تصویر ۲) (۲).

شبها در آب به سر می‌برد و روزها در خشکی، و نوشته‌اند که او و اخلافش ۶۹۱۳۰۰ سال، مردم را ارشاد کردند و بعد از آن‌ها طوفانی بزرگ، آن سلسله را از بین برد)) (۱).

برسوس، بابلونیکا را برای آنتیوکوس اول نوشت و تلاش کرد تا فرهنگ میان رودانی را برای غیر میان رودانی‌ها معرفی نماید. او به شرح توسعه تاریخی و خرد در تمدن بابلی پرداخت و این که چگونه فرهنگ میان رودانی به انسان توسط ((اوانس)) عرضه شد؛ موجودی که از آب‌های خلیج فارس بیرون آمده بود تا خردورزی را در انسان متبلور سازد. در این پژوهش تلاش می‌شود، جایگاه و خواستگاه اوانس و پیوند او با خردورزی و آموزش پزشکی و طبابت آشکار گردد و بر این اساس به زیر ساخت‌های پزشکی میان رودان می‌پردازیم و چرایی حضور پر رنگ این موجود را در درگاه کاخ پاسارگاد، جست و جو خواهیم کرد.

اوانس (آدایا) به عنوان یک آپکالو

میانرودان (بین‌النهرین) یک منطقه باستانی بوده است که در مدیترانه شرقی جای داشته و در شمال شرقی با کوه‌های زاگرس و در جنوب شرقی با فلات عربستان احاطه می‌شده است. این سرزمین عمدتاً کشور عراق امروزی و بخش‌هایی از ایران امروز، سوریه و ترکیه را شامل می‌گردید. دو رود دجله و فرات، رودهایی بودند که قلب تمدن بین‌النهرین را در بر می‌گرفتند. برعکس تمدن‌های مصر و یونان، تمدن میانرودان که (متقدم بر تمدن مصر بوده است) شامل ترکیبی از فرهنگ‌های گوناگون بود که با خط نوشته‌ها و خدایگان مشترک، همبستگی می‌یافتند. از این رو، به میانرودان به صورت منطقه‌ای که امپراتوری‌ها و تمدن‌های چندگانه‌ای را در خود پرورانده است و نه یک تمدن واحد، نگریسته



تصویر ۲) حکیم اوانس (آدایا) در معبد ((نینورتا)) در شهر نمرود مربوط به پادشاهی آشور نو در اولین هزاره قبل از میلاد

برسوس، کاهن بابلی که چند سال پس از مرگ اسکندر داستان‌های قدیمی جمع‌آوری کرده است، می‌نویسد: ((مردمان بابل در قدیم‌الایام از تمدن بی‌بهره بوده‌اند، موجود عجیبی که نصف بدنش انسان و نصف دیگرش ماهی بوده، به نام ((اوانس)) از دریا بیرون آمد و نوشتن خط و آداب زندگی و زراعت و علوم را به مردم بابل آموخت. این آفریده عجیب ((رب النوع زندگانی))

می‌شود. تمدن سومر در هزاره چهارم پیش از میلاد از آنجا که منشأ دو توسعه شگفت‌انگیز بوده است، منطقه میانرودان را همچون گهواره تمدن، جلوه داده است که یکی از آن‌ها پیدایش شهر به شکلی که ما امروز می‌شناسیم و دیگری اختراع خط بوده است. افتخار اختراع چرخ نیز با تمدن میانرودان در توأمان می‌باشد. شکوفایی فرهنگ سومری تا اواسط سال‌های ۳۰۰۰ پیش از میلاد ادامه یافت اما فاتحان این سرزمین نیز بسیار تحت نفوذ تمدن سومریان قرار گرفتند. ابتدا آشوری‌ها و سپس بابلی‌ها به این سرزمین آمدند و امپراطوری آن‌ها تا ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، ادامه داشت تا کورش شاهنشاه ایران، آنجا را فتح کرد (۳ و ۴).

در میان رودان، مذهب و عقاید دینی همراه با آیین‌های مذهبی، از زمان سومریان تا جانشینان آن‌ها یعنی هورایی‌ها، آکدی‌ها، بابلی‌ها، آشوری‌ها و دیگر گروه‌های فرهنگی خاورمیانه، چیرگی بی‌همتایی را در فرهنگ و جامعه از خود نشان دادند. در پانتئون سومریان، خدایگان فراوانی بودند که مهم‌ترین آن‌ها، آن (An)، خدای بهشتگان، انلیل (Enlil)، خدای باد و طوفان، انکی (Enki)، خدای آب و فرهنگ انسانی، نین هورساگ (Ninhursag)، الهه باروری و زمین بودند.

آپکالوها (Akkallu)، نیمه خدایگانی بودند که عمدتاً به قدرت خدایان وابستگی داشتند و همچون ارواحی بودند که می‌توانستند از افراد و خانواده‌ها حفاظت کنند. بر طبق سنت موجود در میان قوم بابلی‌ها، هفت آپکالو (خرمند یا حکیم) در پیش از سیل بزرگ زندگی می‌کردند. در متون تشریفاتی مذهبی نوبابی و نوآشوری، به اسامی این حکیمان و نیز هفت شهری که آن‌ها از آنجا آمده بودند، برمی‌خوریم. این هفت حکیم را نمی‌بایست با خدایگان اشتباه دانست؛ آن‌ها موجوداتی هستند که خردمندانه به پادشاهان در منطقه

حکمرانی خود اندرز می‌دهند و همچون مشاورانی فرزانه در گستره حکمرانی شاهان میان‌رودانی نقش ایفا می‌کنند. قدرت محافظت‌کنندگی آن‌ها به گونه‌ای بوده است که تندیس‌های کوچکی از این هفت حکیم در پی مکان‌های باستانی نو آشوری و نو بابلی یافت می‌شود که این باور را تقویت می‌نماید که آن‌ها محافظین خانوارها بوده‌اند و شیاطین و ارواح پلید را به دور می‌داشتند؛ بدین‌گونه بوده است که نمادهای ضد شیاطینی این هفت حکیم در آیین‌های متنوعی که تا کنون به دست ما رسیده‌اند، حضور دارند (۵).

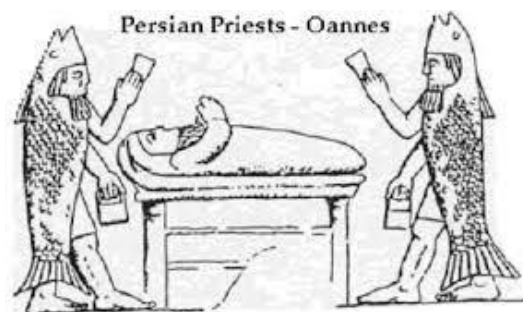
نمادهایی از اشکال گوناگون این هفت حکیم ساخته می‌شدند که پاره‌ای از آن‌ها به شکل انسان بودند، بعضی پوشینه‌هایی از پوست ماهیان داشتند پاره‌ای دیگر، صورت‌هایی از پرندگان داشته و بالدار بودند (۶).

آداپا (Adapa)، آپکالویی (حکیم یا خردمند) است از این فرزندگان هفت گانه که بومی شهر اریدو (Eridu) است و به‌عنوان پسر انکی (خدای آب و فرهنگ) به ترویج فرزاندگی و خرد در میان مردمان خود می‌پردازد (۷).

مسلماً او آنس نام دیگری برای آداپا است که از آب‌های خلیج فارس برخاسته است؛ در واقع، او آنس ترجمان یونانی این آپکالوی انسان-ماهی است که ارائه این نماد در شمایل نیمه خدایگانی از سوی برسوس کاهن، به گفتمان فرهنگی میان بابل و یونان دامن می‌زند؛ نمادی که ماهیت انسان و ماهی، عنصری و فرا انسانی را در هم می‌آمیزد (۸).

آداپا (او آنس) که از شهر باستانی اریدو، در سومر، برخاسته است دارای خرد و جایگاهی است که توسط انکی به او ارزانی شده است. در واقع، بر اساس اسطوره‌های میان‌رودانی، این انکی/آ است که فرزاندگی و دانایی را به آداپا داده است ولی از دادن زندگی جاوید به او دریغ ورزیده است. آداپا همان کسی است که از

کرد که در دو سوی تخت بیمار قرار گرفته است (تصویر ۳).

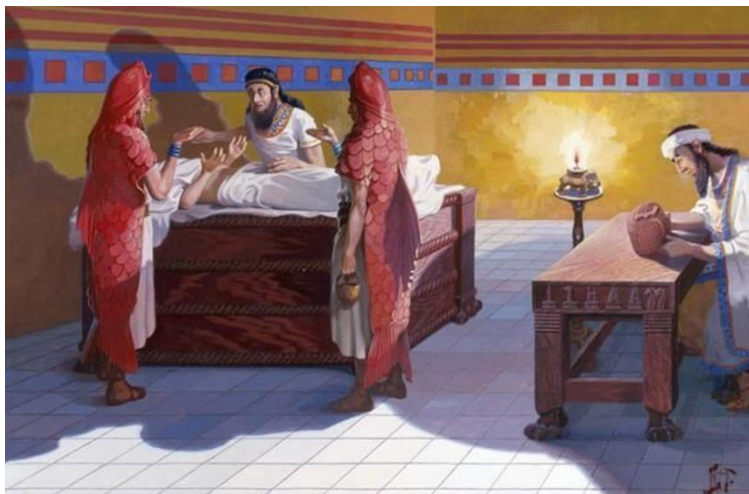


تصویر ۳) کاهنین درمانگر در شمایل حکیم اوانس (آدایا) بر بالین بیمار: نقشی که در طلسم‌های میان‌رودانی می‌توان دید.

وجود اوانس در کنده‌کاری‌های درگاه‌های کاخ آشوریان و مجسمه‌های معابد، نشانگر ماهیت محافظت‌کنندگی جادوی این آپکالوهاست؛ همچنین همانگونه که پیش از این نیز اشاره شد، تندیس‌های گلی کوچکی از این آپکالوها که در زیر کف ساختمان‌های آن زمان به صورت هفت‌گانه دفن شده بودند نیز بیانگر نقش محافظتی آن‌ها می‌باشد که توان اصلی آن در زدودن و دفع شیاطین بوده است. در هر صورت، وجود اوانس (آدایای) حکیم در طلسم‌ها بر بالین بیماران به نقش درمانگری نیز اشاره دارد. چنین بوده است که پس از آن، راهبان و کشیش‌ها، برای انجام مراسم جن‌گیری و زدودن ارواح شیطانی از بیماران و انجام مراسم شفاطی، جامه‌ای می‌پوشیدند که تقلیدی بود از پوشینه اوانس؛ یعنی پوششی ماهی‌گونه که بر سر می‌گذاشتند؛ به گونه‌ای که سر ماهی بر روی سر کشیش قرار می‌گرفت و تنه ماهی با باله‌های پشتی و دمی آن از پشت کشیش هویدا بود (تصویر ۴) (۶).

سر خشم، بال باد جنوب را شکست، به‌طوری که تا هفت روز نوزید. در اسطوره آدایا که در دو گل نبشته یافت شده در کتابخانه ((آشور بانیپال)) نگاشته شده است، به سه نکته برمی‌خوریم؛ نخست آن که دانایی و خردمندی‌ای که آدایا داشته است و آن را در میان مردمان خود ترویج می‌کرده برخاسته از انکی بوده است؛ دوم آن که آدایا زیستی دریایی داشته و برای شهر اریدو ماهیگیری می‌کرده است و سوم آن که با نخوراندن و نیاشامیدن، خوردنی و آشامیدنی‌ای که از سوی بزرگ خدایگان ((آنو)) به او داده شد، زندگی جاوید و بی‌مرگی را از دست می‌دهد و به زمین نیست شونده بازگردانده می‌شود تا او و تبارش کار کنند و رنج کشند (۹).

ما همواره نماد اوانس (آدایا) را به صورت انسانی که بر سرش، یک پوشینه از سر ماهی کشیده شده است می‌بینیم که تنه کامل این ماهی از پشت او آویزان است و دارای باله‌های کامل پشتی و دمی می‌باشد. این نماد را نخست در دوره کاسی‌ها و سپس در دوره آشوریان می‌بینیم که در دوران نو آشوری و نو بابلی رایج می‌گردد. در سده‌های چهاردهم تا دهم پیش از میلاد، این نماد با پوست ماهی‌ای که تا به زمین رسیده است، نشان داده می‌شده است. در سده نهم، دم این پوشینه ماهی، درست در کمر انسان، ختم می‌شد و از سده هشتم دوباره بازگشت به شکل درازتر آن را شاهد هستیم؛ یعنی این پوست ماهی تا سوی انتهای بدن انسان کشیده می‌شود. این نماد انسان- ماهی که نمایانگر اوانس (آدایای) حکیم (آپکالو) است، از منظر پزشکی به این دلیل اهمیت دارد که می‌توان آن را به صورت یک جفت در پلاک‌های طلسم‌های آن دوران مشاهده



تصویر ۴) کاهنین درمانگر در شمایل حکیم اوآنس (آدایا) بر بالین بیمار

نماد اوآنس بر بالین بیمار

در طلسم‌های گوناگونی در میان رودان، نماد اوآنس مشاهده می‌گردد. در این طلسم کاهنینی ایستاده بر بالین بیمار مشاهده می‌شوند که پوشینه‌های ماهی بر تن دارند و بدین سان حکیم اوآنس (آدایا) را تجسم می‌نمایند. در طلسم برنزی مشهور پازوزو (Pazuzu) که برای حفاظت از لاماشتو، دیو مؤنث، می‌باشد، می‌توان کاهنین انسان- ماهی (نماد اوآنس) را که در دوسوی فرد بیمار که در مرکز طلسم قرار دارد، مشاهده نمود. این طلسم برنزی که مربوط به دوران نو آشوری (۹۳۴-۶۱۲ پیش از میلاد) است و هم اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود، بر بالین بیمار (به‌عنوان حفاظت از لاماشتو) آویزان می‌شد. لاماشتو، الهه دیو صفتی بود که نوزادان متولد نشده و یا تازه متولد شده را شکار می‌کرد و پازوزو که کنترل بادهای غربی و جنوب غربی داشت در حفاظت زنان حامله از این دیو، فراخوانده می‌شود. در این طلسم، در زیر تخت بیمار که با نماد اوآنس احاطه شده است، دیو لاماشتو دیده می‌شود که با مراسم و آیین جن‌زدایی کاهنین که از اوآنس توسل می‌جویند، در حال گریز می‌باشد. در بالای طلسم، این پازوزو است که به بیمار نظاره می‌کند. حضور این کاهنین که نماد

اوآنس را بر تن دارند و از این حکیم و دانا یاری می‌جویند، نشانگر قدرت درمانگری اوآنس به وسیله زدودن شیاطین می‌باشد (تصویر ۵) (۱۰).



تصویر ۵) طلسم برنزی مشهور پازوزو (Pazuzu) که برای حفاظت از لاماشتو، دیو مؤنث، می‌باشد. می‌توان کاهنین انسان- ماهی (نماد اوآنس) را که در دوسوی فرد بیمار که در مرکز طلسم قرار دارد، مشاهده نمود.

اقدامات را شامل بانداژها، لوسیون‌ها، تنقیه‌ها، شیاف‌ها، مسهل‌ها، شربت‌ها، ضمادها و غیره را به کار می‌برد. پاره‌ای از پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا دریابند که هر کدامیک از این دو نظام درمانی برای چه بیماری‌هایی به کار برده می‌شده است اما آن چه آشکار است آن است که برای بیماری‌هایی که غیرقابل علاج در نظر گرفته می‌شدند، هیچگونه درمانی تجویز نمی‌شد. از سوی دیگر به نظر نمی‌آید که این دو نظام با یکدیگر رقابت داشته‌اند و تنها طبقه ثروتمند جامعه می‌توانستند از هر دو نظام بهره جویند. از این رو، شاید هر دو درمانگر، گاهی برای به دست آوردن علاج، با یکدیگر همکاری داشته‌اند (۳ و ۱۱).

بر پایه چنین نظام دوگانه درمانگری که گاهی با یکدیگر نیز همپوشانی می‌یافت می‌توان تفکیک شدن ارائه مراقبت‌های درمانی را از سوی معابد به سوی یک حرفه مجزای طبی مشاهده نمود. بر اساس شواهد می‌توان دریافت که درمانگران در مکان کار خود که می‌توانست در بیرون معابد باشد، بیماران را بر روی تخت بستری کرده و تا زمان بهبودی نگه می‌داشتند؛ گرچه هنوز نمی‌توان به این تسهیلات عنوان بیمارستان را داد. اما چنین برمی‌آید که معابد نقش مهمی را در تشخیص بیماری‌ها داشتند و همچنین معابد به عنوان کتابخانه‌هایی بودند که بسیاری از متون پزشکی مفید را نگهداری می‌کردند (۳).

بر همین پایه می‌توان چندین استنباط نمود که کاهنین ترسیم شده در طلسم‌های میان رودانی که بر بالین بیمار حضور یافته‌اند و وظیفه بیرون راندن اجنه و شیاطین را از کالبد بیمار بر عهده داشته‌اند با پوشیدن پوشینه ماهی، به اوآنس متوسل می‌شدند و با تقلید از او، به درمانگری می‌پرداختند.

پزشکی در میان رودان با هاله‌ای از مذهب احاطه شده بود و کاهنین نقش مهمی را ایفا می‌کردند. در تمدن میان رودان، به بیماری همچون فرستاده شده‌ای از سوی خدایگان، شیاطین و روح‌های شرور نگریسته می‌شد. از این رو، بسیار ضروری بود که خدایگان و شیاطین را بتوان به شکل دائم با نیایش و پاسداشت روح‌های اجداد، با هدایا و پوشیدن طلسم و دعا‌های مناسب، تسکین داد. با این دیدگاه، بیماری همچون تنبیه‌ای برای گناه توسط خدایان فرستاده می‌شد. اما حتی در فقدان بروز گناه، بیماری هنوز می‌توانست توسط روح‌های شرور ایجاد شود. کاهنان معبد با انجام آداب و تشریفات مذهبی، همراه با سحر و جادو به درمان پزشکی اقدام می‌نمودند. در هر صورت، دفع شیاطین حامل بیماری‌ها، از وظایف روحانیون بود و بدین ترتیب و بر حسب عقیده مردم آن زمان، یک ارتباط نزدیک بین طب، سحر، جادو و مذهب وجود داشت (۳).

بر همین اساس، درمانگران که از هزاره سوم در میان رودان وجود داشتند را می‌توان در دو نظام مجزا قرار داد. آنگونه که در متون بابلی هویدا است این دو نظام درمانگری شامل آشپو و آسو بودند. نقش آشپو تشخیص علت درد و بیماری بود. این اغلب شامل تصمیم‌گیری پیرامون اینکه کدامیک از خدایان یا شیاطین بیماری را ایجاد کرده بودند نیز می‌شد و یا اینکه آیا بیماری با یک گناه از سوی بیمار روی داده است یا خیر؟ آشپو همچنین از طریق استفاده از طلسم‌ها می‌توانست به درمان بپردازد.

آسو در مراقبت از زخم که شامل شستشو، بانداژ و ساخت ضماد‌های گیاهی بود، تخصص داشت. به زبان دیگر، آشپو به کارهای سحر و جادو و درمان از طریق جن‌گیری می‌پرداخت و عضوی از طبقه روحانیون بود اما آسو بیشتر نقش یک درمانگر داشت که تنوعی از

انکی/آ: دهنده خردمندی و درمانگری به اوآنس(آدایا)

خدای ((انکی)) (نزد سومریان) یا ((آ)) (نزد آکدی‌ها) یکی از خدایان برجسته و عمده در میان جهان خدایان میان رودان بوده است که در اسطوره‌ها، تشریفات مذهبی و دانشی، حضوری بسیار پر رنگ داشته است. انکی در هدایت مناسب زندگی انسان و خردمند نمودن او نقش بی‌همتایی را در میان ساکنان میان رودان ایفا نموده است (۱۲). آیین مذهبی انکی از جنوب میان رودان، از شهر اریدو که مرکز مذهبی‌اش بوده است، منشأ می‌گیرد. این شهر در تالاب آب شیرین در نزدیکی فرات پایینی قرار داشت. اریدو، باستانی‌ترین شهر سومر بود که بسیار بیش از سیل بزرگ وجود داشته است. دامنه اصلی حکمرانی انکی، آبزو (Abzu) است که یک قلمرو زیرزمینی بود که با حجم عظیمی از آب شیرین احاطه شده بود و با چشمه‌ها، چاه‌ها و تالاب آب شیرین اطراف اریدو مرتبط بود. از این رو، همراهی انکی با لاک‌پشت یا بز ماهی به‌عنوان نشانگان‌اش، پیوند او را با دنیای آب‌ها و ژرفا نشان می‌دهد. در هنر کنده‌کاری، انکی/آ به‌صورت رایج، با جریان‌های آب که از شانه‌هایش سرازیر می‌باشند، نشان داده می‌شود که ماهی‌ها در آن‌ها شنا می‌کنند. در قلمرو جهانی او هفت حکیم (آپکالو) قرار دارند که از محافظین انسان بوده و به او خردمندی یاد می‌دهند (۱۳). در واقع، انکی/آ، خدای باروری، فراوانی، خردمندی و فرزاندگی است که مهارت‌های فنی و هنری را به نوع بشر می‌آموزد که در این فهرست، آموزش پزشکان نیز قرار می‌گیرد. خردمندی انکی/آ، همانند قدرتش، برخاسته از اندرزگویی و زبان او است. بیان او

همواره آمیخته با خردمندی، قدرت، بینش ژرف و سخنوری بوده است (۸).

انکی/آ همچنین یک حرفه‌مند طلسم نیز بود. همراهی اش با جادو و طلسم‌ها، او را همچون خدای درمانگری جلوه می‌داد که برای تسکین آلام، درمندان از او طلب شفا می‌کردند. نام انکی/آ در تعدادی از طلسم‌هایی که توسط جادوگران و کاهنان برای درمانگری بیماران استفاده می‌شد، مشاهده می‌گردد. توانمندی انکی/آ در درمانگری از قدرت پسر او ((آسالوهی)) (Asalluhi) هویدا است که در اسطوره‌ها آمده است در توصیف بیماری و اندرز درمانی با پدرش (انکی/آ) مستقیماً یا به واسطه یک پیام رسان، مشورت می‌کند و انکی به آسالوهی تضمین می‌دهد که او (آسالوهی) همان توان و قدرتی که وی از آن بهره‌مند است را در درمانگری دارد و آنگاه چگونگی درمان فرد بیمار را به او اندرز می‌دهد (۸).

متون اسطوره‌ای سومری درباره انکی به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد و بسیاری از این اسطوره‌ها پیرامون آفرینش می‌باشند که انکی را خالق جهان، گیاهان، جانوران و انسان و انتشار دهنده تکنیک‌های فرهنگی معرفی می‌کنند. معروف‌ترین آن‌ها اسطوره ((انکی)) و ((نین هورساگ)) است که مکان رخداد آن در دیلمون است که احتمالاً این مکان منطقه بحرین در خلیج فارس می‌باشد. بازیگران اصلی این اسطوره، انکی (خدای آب و ژرفا) و زن خدای ((نین هورساگ)) است که زمین-مادر است و به خلق زندگی گیاهی توسط انکی و فراوانی‌ای می‌پردازد که پس از نزدیکی جنسی انکی با چندین نسل الهه صورت می‌گیرد که در نهایت به خلق خدایگان و گیاهانی منجر می‌شود که در پزشکی به کار برده

می‌شوند و همچنین به ثروت و فراوانی سرزمین دیلمون می‌انجامد (۸ و ۱۴). در یکی از این سلسله پیوندهای انکی با الهه‌ها، هشت گیاه پدید می‌آید، اما پیش از آنکه نین هورساگ فرصت یابد آن‌ها را نام‌گذاری کند و خواص هر یک را مشخص نماید، انکی همه این گیاهان را می‌خورد. نین هورساگ که به خشم آمده است، انکی را به نفرینی‌گران، گرفتار کرده و آنجا را ترک می‌کند.

خدایان می‌ترسند و انکی در هشت جای بدن خود دچار بیماری می‌شود. حیلۀ روباه، سبب می‌شود نین هورساگ بازگردد و به معالجه بیماری انکی بپردازد. نین هورساگ برای معالجه انکی به ترتیب هشت ایزد می‌آفریند، هر ایزدی برای جایی از بدن انکی که بیماری در آن خانه کرده است. گفته شده است که میان هر یک از این ایزدان و هر جای خاص بدن انکی که مبتلا به بیماری شده است، جناس وجود دارد. ظاهراً سطرهای پایانی شعر به این نکته اشاره دارد که این هشت ایزد به مثابه فرزندان انکی هستند، سرنوشت آنان را نین هورساگ تعیین می‌نماید. انکی، جوهر و سرنوشت هر هشت گیاه را با بلع نمودن آن‌ها تعیین کرد و به نامگذاری در هر بخش بدن که هر گیاه به آن پیوست داشت، پرداخت و به زایش خدایگانی نشست که هر کدام با یک گیاه و یک بخش بدن همراهی داشتند. این اسطوره سه‌گانه گیاه، مکان آناتومیک و خدا را ترسیم می‌کند که چگونه درمان‌های دارویی برای ناراحتی‌های فیزیکی بر اساس سمبل‌های گیاهان و همچنین مشاهده تجربی اثرات بهبود یابندگی آن‌ها، فرمول‌بندی می‌شده‌اند.

از این رو، چنین برمی‌آید که درمانگران میانرودان از صدها گیاه طبی آگاهی داشته‌اند که هنوز هم پاره‌ای از آن‌ها مانند خشخاش، مهرگیاه، بذرالبنگ،

تخم‌کتان، ریشه شیرین بیان، مَرَمَکی، آویشن (سعتر)، فلوس، هندوانه ابوجهل (حنظل)، انقوزه، شاه‌دانه هندی و بلادون مورد استعمال دارند. این درمانگران به این گیاهان طبی بعضی از مواد معدنی مانند زاج سفید، گوگرد، شوره و املاح مس می‌افزودند. بر اساس لوح‌های برجای مانده از یک هزار سال پیش از میلاد مسیح، بیش از ۲۵۰ گیاه دارویی، ۱۲۰ ماده معدنی و ۱۸۰ مواد دارویی دیگر در ترکیب با شربت‌های الکلی، آبگوشت، چربی‌ها، عسل، شیر در اشکال متنوع، روغن‌ها، واکس و بخش‌ها و محصولات حیوانی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از این رو، می‌بایست نسخه‌های تجویزی «آسو» به صورت بسیار چشمگیری متنوع و متعدد بوده باشند. این تنوع، ترکیبی برخاسته از منطق حاکم مذهبی و همچنین آزمون و خطا بوده است (۱۵).

حضور بی‌همتای انکی/آدر طلسم‌ها و آیین‌های شفا طلبی در میان مردمان میان رودان حاکی از توانمندی او در درمانگری است که این توان نیز به آفریده‌هایش مانند مردوک و اوانس، به‌عنوان نیمه خدای حکیم و دانا از سوی او داده، می‌شود. در طلسم مشهور انکی و مردوک می‌توان به تجربیات مذهبی و معنوی که برای بیمار و درمانگر رخ می‌دهد دست یافت. این تجربیات، یک زمینه روحی و اجتماعی مثبتی را خلق می‌کنند که اثرات پلاسبویی را تسهیل می‌نمایند. ساختار این طلسم به گونه‌ای است که ساز و کارهای مغزی را در کرتکس پیش فرونتال برانگیخته می‌سازد و عملکردهای عملی و پاسخ دهی‌های پلاسبویی را ارتقا می‌دهد. در یک تحلیل از زاویه ارتباط پزشک-بیمار، می‌توان چهار گام اساسی را از نقطه نظر علوم اعصاب در گفتمان میان انکی و مردوک مشاهده کرد زیرا می‌دانیم اتحاد پزشک و بیمار در جریان

درمانگری و شفا طلبی، رکن اصلی را دارد. همان گونه که اشاره شد در میان رودان باستان، بیماری‌ها با برگزاری تشریفات درمانگری، تحت درمان قرار می‌گرفتند که در آن‌ها کاهنین جن‌گیر طلسم‌هایی را تکرار می‌کردند. ساختار نمونه‌ای از این تشریفات درمانگری را می‌توان در گفتمان میان مردوک و انکی/آ در مشاهده نمود که این سناریو به شکل یک درام آیینی، در آن دوران انجام می‌شد. کاهن جن‌گیر نقش مردوک را بازی می‌کند (۱۶). مردوک یا مردوخ از فرزندان انکی، از خدایان باستانی بابل بود که به‌عنوان خدای باروری و آفرینش و محافظ بابل به شمار می‌رفت و دارای قدرت شفا بخشی و هنر درمانگری بود (۱۷).

اشاره ارتباط انکی/آ با پزشکی در اینجا به منظور آن بود که بیان شود حکیم اوآنس (آدایا) که آفریده انکی/آ است و مادام حضورش را بر بالین بیماران در میان رودان می‌بینیم، خرد و قدرت درمانگری‌اش را با دهش از سوی انکی/آ به‌دست آورده است و گفتمان مردوک/انکی در طلسم شفاطللی ناظر بر این است که چنین سناریویی نیز در هنگام حضور حکیم اوآنس (آدایا) یا روحانیون میانرودانی که به درمانگری می‌پرداختند، وجود داشته است. در هر صورت، از دید درمانگری پزشکی، جایگاه انکی/آ و سپس اوآنس/آدایا به‌عنوان یک حکیم آفریده شده انکی، بسیار بالا بوده است. جالب آنجاست که فریدون/ ((ترائتون)) که به‌عنوان اسطوره پزشکی اقوام آریایی و هند و ایرانی مطرح است و او را نخستین طبیب می‌نامند، صورت آریایی اسطوره انکی/آ می‌دانند (۱۸ و ۱۹). زیرا هر دو با خرد، جادو، پزشکی و درمان بیماران در پیوند بوده‌اند (۱۹). همانگونه که انکی/آ با طب دعائی در توأمان

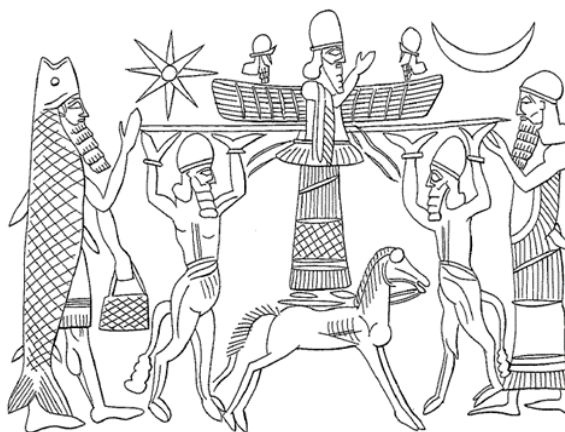
بوده است نام فریدون نیز در غالب اوراد و ادعیه دفع امراض ذکر می‌شده است و او را فریدون ((افسونگر)) نیز خوانده‌اند (۲۰). همانندی فریدون ((ترائتون)) با انکی/آ در پزشکی و افسونگری و خردورزی، نشانگانی است که از توانمندی برجسته انکی/آ و آنگاه اوآنس (آدایا) در پزشکی و درمانگری، پرده برمی‌دارد.

نتیجه‌گیری

هر چند که در میان رودان باستان، دانش گیاه درمانی و پاره‌ای از ادوات جراحی جاری بود ولی از پاتوفیزیولوژی بیماری‌ها آگاهی نداشتند و منشاء بیماری‌ها را برخاسته از عملکرد دیوها و خدایگان خشمگینی می‌دانستند که برای تنبیه گناه بر انسان حادث می‌شدند. از این رو، هر چند گستره‌ای از گیاه درمانی و جراحی در درمان بیماری‌ها به کار می‌رفت ولی طلسم، تشریفات مذهبی و آیین‌های شفاطللی توسط روحانیون، بسیار رایج بودند و در پاره‌ای از این آیین‌ها، کاهنین برای تقلید از نیمه خدای حکیم یعنی اوآنس (آدایا)، پوشینه‌هایی که نمایانگر پوست ماهی با باله‌های پشتی و دمی بود، می‌پوشیدند و بر بالین بیمار به درمانگری می‌پرداختند زیرا اوآنس که حکیم آفریده شده توسط انکی/آ (خدای آب و ژرفا) بود یک موجود هیبرید انسان- ماهی بود که از خلیج فارس می‌آمد و در توأمان با آموزش پایه‌های تمدن و خردمندی به نوع بشر، از توان افسونگری و درمانگری انکی/آ نیز بهره‌مند بود؛ بدین‌گونه، در آیین‌های مذهبی- درمانی و دفع شیاطین، نقش ویژه‌ای را داشت. همین نقش دفع اجنه بود که در کاخ آشور، اوآنس (آدایا) در درگاه برای محافظت از روح‌های شرور جای گرفته بود و در دوران

حضور اوآنس ((آدایا)) حکیم در این کاخ‌های هخامنشی، نشانگر تأثیر طب ایران باستان از شیوه‌های درمانگری رایج در میان رودان می باشد.

هخامنشیان نیز به تقلید از این کاخ‌های آشوری (تصویر ۶)، این نیمه خدای انسان- ماهی، در درگاه کاخ پذیرایی کوروش در پاسارگاد، برای محافظت از روح‌های پلید، کنده کاری می‌شود. از سوی دیگر،



تصویر ۶) نمایی از یک مهر نوآشوری که حکیم اوآنس (آدایا) را در سمت چپ نشان می‌دهد. این نقش با مظهر دیگری که سم و پایش مانند گاو است و در جلو او قرار دارد مانند نقش کنده‌کاری شده از حکیم اوآنس (آدایا) در درگاه کاخ کوروش در پاسارگاد است که قسمت‌های فوقانی آن نابود شده است و شاید نقش این مهر بتواند در تکمیل این کنده‌کاری مهم در کاخ کوروش در پاسارگاد، کمک کننده باشد.

سپاس و قدردانی

نویسندگان، این مقاله را با کمال سرافرازی به جناب آقای دکتر امین تمدن که در گسترش دانش تمدن میان رودان در جامعه دانشگاهی با علاقه فراوان تلاش نموده‌اند، تقدیم می‌دارند.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان مقاله بیان نشده است.

References:

1. Raein E. The Navigation of Iranians. 2nd ed. Ziba Press, 1977, 229.
2. Mcinerney J. Fish or Man, Babylonian Or Greek? Oannes Between Cultures. In: Fögen T, Thomas E, Editors. Interactions Between Animals And Humans In Graeco-Roman Antiquity. Berlin, Boston: De Gruyter, 2017, 253-74.
3. Nabipour I. The History of Medicine In Iran. Bushehr: Bushehr University of Medical Sciences Press, 2020, 17, 23, 28.
4. Venzmer G. 5000 Years Of Medicine. Translated by Agah S. The Scientific And Cultural Company Press, 1987.
5. Greenfield JC. "The Seven Pillars of Wisdom (Prov. 9:1): A Mistranslation." The Jewish Quarterly Review, vol. 76, no. 1, [University of Pennsylvania Press, Center for Advanced Judaic Studies, University of Pennsylvania], 1985, 13-20.
6. Black JA, Green A. Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia: An

- Illustrated Dictionary. British Museum Press, 1992, 82, 163.
7. Milstein SJ. The Origins of Adapa. *Zeitschrift für Assyriologie und vorderasiatische Archäologie* 2015; 105(1-2): 30-41.
8. Galter HD. The Mesopotamian God Enki/Ea. *Religion Compass* 2015; 9(3): 66-76.
9. Heydaryan Shahri AR, Sedighi B. The First Curiosity Of Wisdom. Tehran: Jami Press, 2021, 265-66. (Persian)
10. Lyons AS, Petrucelli RJ. Medicine, An Illustrated History. New York: Abradale Press, 1987, 63.
11. Kelly K. History Of Medicine. Early Civilizations. Bang FOF, 2009, 20-6.
12. Hurowitz A. An Underestimated Aspect of Enki/Ea. *J Anc Near East Reli* 2013; 13(1): 3-10.
13. De Almeida IG. A Mesopotamian Notion Of Intelligence And Creativity: The Ingenious Nature Of Enki/Ea. *Intelligence, Creativity And Fantasy*. CRC Press, 2019, 321-7.
14. Hooke SH. Middle Eastern Mythology. Translated by Bahrami AA. Roshangran and Women's studies Press, 2020, 64-6.
15. Teall EK. Medicine and Doctoring in Ancient Mesopotamia. *Grand Valley J History* 2014; 3(1): Article 2.
16. Annus A. The Spiritual Dimensions of Healing Rituals in Ancient Mesopotamia. *J Relig Health* 2020; 59(5): 2486-503.
17. Oshima TM, Buylaere GV. Divine Privilege of the Rich and Powerful? Seeking Healing of Illness by Presenting a Luxurious Gift. In: Panayotov SV, Vacín L, editors. *Mesopotamian Medicine and Magic*. Brill, 2018, 379-400.
18. Carnoy A. The Iranian Gods of Healing. *J Am Oriental Soc* 1918; 38: 294-307.
19. Naghipourfar K, Jadidi N. The Study of the Relationship between Fereydun and the Water Deity in Elam Civilization. *J Hist Res* 2019; 11(1): 1-17. (Persian)
20. Azkaie P. *Medicin In The Ancient Iran*. Almaei Press, 2012, 131.

Review Article

Oannes (Adapa): The Mesopotamian Sage in Pasargad

M. Zare *(MSc)*^{1*}, I. Nabipour *(MD)*^{2}**

¹ *The Persian Gulf Marine Biotechnology Research Center, The Persian Gulf Biomedical Sciences Research Institute, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr Iran*

(Received 27 Sep, 2021)

Accepted 6 Dec, 2021)

Abstract

Enki/Ea, the God of wisdom and deep had a prominent role in incantations and healing rituals. He was the creature of apkallus (the seven sages). These seven sages were distributing the wisdom and power of Enki/Ea among people. Oannes (Adapa) was one of the apkallus who was a hybrid of gish-man with the Enki/Ea 's power in healing and wisdom. Hence, the Mesopotamian priests who imitated Oannes and resorted to him, dressed in the bodies of fish hanging from their back, complete with caudal and dorsal fins, presented over the patients' beds for healing rituals. Sometimes, induction of emesis, enema, and fumigation were also used by them. The presence of the fish-man hybrid of Oannes (Adapa), as one of the seven sages in the carving of Kourosh's palace in Pasargad indicates a powerful influence of the Mesopotamian medicine on Achaemenid Empire.

Keywords: Oannes, Adapa, mesopotamia, sages, Achaemenid Empire

©Iran South Med J. All right reserved

Cite this article as: Zare M, Nabipour I. Oannes (Adapa): The Mesopotamian Sage in Pasargad. Iran South Med J 2022; 25(1): 80-92

Copyright © 2022 Zare, et al This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

****Address for correspondence:** The Persian Gulf Marine Biotechnology Research Center, The Persian Gulf Biomedical Sciences Research Institute, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr Iran

E.mail: inabipour@gmail.com

* ORCID: 0000-0002-1687-0102

** ORCID:0000-0002-1785-0883

Website: <http://bpums.ac.ir>

Journal Address: <http://ismj.bpums.ac.ir>